

شاه مستقل و ملی نبود



سیدعطاالله‌مهاجرانی طی یادداشتی در روزنامه اعتماد نوشت: در یکی از اتاق‌های کلاب‌هاوس، طعم سخن برخی گویندگان، از ملی بودن و مستقل بودن محمدرضا شاه حکایت می‌کرد. گفتم: «شاه نه ملی بود و نه مستقل!» این سخن، به گوش برخی دوستان اندکی ناهموار آمد بود و توصیه به انصاف کردند. در رنگ امروز می‌خواهم بگویم که سختم سخنی سنجیده، مدلل و مستند است. می‌توان برای اثبات این ادعا، دلایل متعددی برشمرد، تنها به یک مورد اشاره می‌کنم. می‌توان از اداره ارتش شاه توسط آمریکا و انفعال شاه در برابر آمریکا سخن گفت. در واقع ما وقتی متن خاطرات مأموریت ژنرال اربرت هالیزر را– که به گمانت باید تمامی علاقه‌مندان به استقلال کشور، این کتاب را با دقت و تأنی بخوانند– می‌خوانیم، غیر از حس سرافکنندگی و حسرت و تأسف به حال کشور و ارتش و فرماندهان خفیف‌شده نیروهای مسلح و شخص شاه، احساس دیگری پیدانمی‌کنیم.بی‌دلیل نبود که به روایت هالیزر، روزنامه پرلوا چاپ مسکو، ژنرال هالیزر را فرماندار نظامی ایران با نایب‌السلطنه تفسیر کرده بود، البته او نایب‌السلطنه‌ای بود که برای سرنوشته سلطان تصمیم می‌گرفت. ژنرال هالیزر غیرقانونی، بدون تشریفات گمرکی و ناشناس و با لباس غیرنظامی با هواییمای نظامی سی–۱۳۰ آبی رنگ نیروی هوایی آمریکا، وارد فوردگاه مهر آباد می‌شود، افرادی از بخش نظامی سفارت آمریکا در انتظارش بودند. به مقر خود می‌رود، مقامات ایران به ویژه شاه بعدها از حضور او باخبر می‌شوند… دو کلید واژه بسیار مهم در کتاب «مأموریت تهران» هالیزر وجود دارد: واژه اطاعت و واژه اراده.

هالیزر به صراحت نوشته است: «شاه به گروه (منظور از گروه، فرماندهان سه نیرو، ربیعی فرمانده نیروی هوایی و حبیب‌اللهی فرمانده نیروی دریایی و بدره‌ای فرمانده نیروی زمینی، تیمسار توفانیان، مسئول لجستیک و خریدهای نظامی، ارتشبد قربانعی رئیس ستاد مشترک و تیمسار ناصر مقدم رئیس ساواک است) گفته بود که به حرف‌های من گوش نکنند، به من «اعتماد» داشته باشند، از من «طاعت» کنند، او گفته بود که من ژنرال آنها هستم». ما شاهدیم که بارها، هالیزر بر سر فرماندهان نیروها داد می‌کشد و فریاد می‌زند، آنها را به کم‌کاری متهم می‌کند، از اینکه نتوانسته‌اند اداره گمرکات و تأسیسات آب و برق و بانک مرکزی را دیو و تلویزیون را بر عهده بگیرند، آنها را شتمات می‌کند. کسانی که محمدرضا شاه از ملی و مستقل دلیستی می‌دادند، کتاب هالیزر را دو بار بخوانند تا ببینند مؤسسات بسیار پر هزینه‌ای مثل نیروهای سه گانه و ستاد مشترک چه حال و روزی داشته‌اند و درجه توانایی آنها در چه حدی بوده است. بارها ژنرال هالیزر از ارتش شاه به عنوان ببر کاغذی یاد می‌کند. در یک کلام می‌توان گفت شاه ارتش را به تمام معنا خوار و زبون کرده بود.

لزوم رهایی از یک غده سرطانی در اقتصاد



روزنامه کیهان در بخشی از سرمقاله خود، با اشاره به بعد اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد جنگ تزکیی که رهبری آشکاره کرده است، پیش‌قدمی در دفاع اقتصادی از کشور را پیشنهاد کرده است.
امریکایی‌ها طی چند دهه اخیر همواره از دلار به عنوان یکی از ابزارهای مهم فشار به کشورهای جهان استفاده کرده و آن را به مانند یک غده سرطانی به دنیا کشیده کرده‌اند. فشارهای ناشی از سلطه دلار که به واسطه تحریم‌ها بر ایران وارد آمده است، تنها کشور ما را دربر نمی‌گیرد بلکه بسیاری از کشورهای دیگر هم تحت این جبر امریکا قرار دارند. اما ممکن است به شکل مغفی باشد. چین، روسیه و حتی اروپایی‌ها هم تحت فشارهای پنهان سلطه دلار و راههای جدید، نتوانسته‌اند با این شرایط کنار بیایند.
تحمیل می‌کند، تبعیت کنند یا آن جمله تلاش برای کاهش تحریم‌ها، خواهان خالصی از شر این غده سرطانی در اقتصادشان هستند. کارشناسان یکی از راهکارهای حمله به این غده را انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه میان کشورهای مختلف و نیز حضور در پیمان‌های منطقه‌ای مانند اکو، اتحادیه با پایایی آسیا، سازمان همکاری‌های اسلامی و اوسا و سایر شانگهای می‌دانند هر چند برخی افراد در دولت قبل این کار را به واسطه نوسانات تورم در ایران، نشدنی جلوه می‌دادند اما بایستی بر این تاکتیک تأکید کرد و راههای استثنایی به آن از جمله تلاش برای کاهش تورم و نوسانات در اقتصاد را پیمود و دانست که حذف دلار نمی‌تواند دافع در اقتصاد زده دهد، زیرا سال‌ها پای به اقتصاد ما بر این مبنای اشتباه پایه‌گذاری شده و لذا نمی‌توان به یکباره از شر این غده خالص شدا اما حرکت تدریجی به سمت این هدف ضروری انگار ناپذیر است. همچنین تجربه چندماه اخیر دولت سیزدهم در استفاده از اقتصاد کالا با کشورهای دوست نشان داد می‌توان با وجود حتی نوسانات شدید اقتصادی دلار را از چرخه مبادلات تجاری حذف کرد و اگر این حرکت با شدت و قدرت بیشتر ادامه یابد، دیگر با بسیاری از کشورهای جهان همین اقدام از شر دلار خلاص شوند.

بیراهه‌یویی بس است!

روزنامه رسالت در سرمقاله خود با اشاره به نظر امام خمینی در مورد نهضت آزادی که «از دیدگاه امام (ره) شاخه سیاسی منافقین، نهضت آزادی بود و شاخه نظامی آنها همین به اصطلاح مجاهدین خلق بودند که ملت ما بحق لقب منافقین به آنها دادند!» نوشته است: عده‌ای برخلاف انصاف و عدالت و بدون هیچ دلیلی این دیدگاه و نظر و داورى امام(ره) در مورد نهضت آزادی را برناتفتند و بر برخی از اعضای آن باواسطه و بی‌واسطه مرتب ضبط شدند و دودردوی امام(ره)، انقلاب و نظام ایستادند! شمار کسانی که به بیراهه‌یویی و کزراه‌هوری افتادند و فریب این جماعت را خوردند کم نیستند، حتی از گروه‌ها، احزاب، شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را که روزگاری به امام(ره) عشق می‌ورزیدند اما در اثر مجالست و مؤانست با کادرب‌های کارگشته نهضت آزادی(ره)، انقلاب و نظام انقلاب ایستادند. کفلی است به ادبیات‌بیانیه مشترک مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین حوزه و کلیوزاده‌ای آن و سرسفل‌های انتقادی آنها دقت شود تا معلوم گردد چقدر متأثر از گروهکی هستند که امام(ره) ۳۴سال پیش خطر آن را یادآور شدند. اکنون در فضای مجازی و فضای رسانه‌ای کشور بخشی از تولیدات ضدانقلاب علیه رهبری، انقلاب و مردم را همین جماعت نهضت آزادی تأمین می‌کنند. قدرت سربازگیری یا بهتر بگویم ژنرال‌گیری آنها از جبهه انقلاب کمتر از دوران امام(ره) نیست! گاهی برخی دوستان بر حقیر خُرد می‌گیرند چرا در نقد مطالب افرادی مثل شهاب‌الدین حائری شیرازی و مهدی نصری روشنگری نمی‌کنی؟ پاسخ بنده این است حرف‌های اینها مطالب جدیدی نیست، باز نشر و بازتولید همان حرف‌های نقد آزادی در دهه ۶۰ است که در روزنامه «رسالت» ده‌ها بار مورد نقد قرار گرفته است. ششبه در مورد جایگاهی و اختیارات ولی فقیه و اصالت و درستی فرامین و تصمیمات رهبری حرف‌های تازه‌ای نیست. حرف تازه این است کسانی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در مکتب نهضت آزادی تربیت شدند در سال‌های ۷۸ و ۸۸ رودردوی نظام ایستادند و به اصل ولایت فقیه دادند! امام(ره) ۴۴سال پیش شهادت داده بود که اینها طرفدار جدی وابستگی ایران به آمریکا هستند، کسی باور نمی‌کرد اما حقایق تاریخ معاصر نشان داد نهضت آزادی در دو جنگ نرم و جنگ‌شناختی امریکا علیه ملت ایران کاملاً با سربوین‌های امریکا، انگلیس و مومباد هم‌راهی کردند. فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ سند صحت نظرات و پیش‌بینی‌های سیاسی امام خمینی(ره) است. اخیراً شنیدم امریکایی‌ها از سرطانی‌های این جریان کلیه کرده‌بودند که چرا شعار علیه نظام صحت و ولایت فقیه را از ده مطرح کردند. شماره نامه‌های ما را لو دادید! ما این همه خیالت و ذمیت امروز برخی هنوز نهضت آزادی را آن هم در لباس وابستگی «منتقد خیر خواه» می‌دانند!ای آنکه بداندن «ولایت فقیه» را به «ولایت سفیه» ترجیح داده‌اند! آنها با از روی غفلت و جهالت یا از روی کینه‌توزی و دشمنی، مدام علیه اردوگاه ایمان به نفع اردوگاه شرک و کفر و نفاق فضا صادر می‌کنند.

یکشنبه اول اسفند ۱۴۰۰ | ۱۸ رجب ۱۴۴۳ |

گزارش یک

تصویری بدون روتوش از جریان غرب‌گرا برای القای انحراف در مسیر انقلاب

سیاسی‌بازی زیر چتر یک تشکل مذهبی!



روند حوادث در هفته‌های گذشته و همچنین بیانات رهبر معظم انقلاب درباره عدم صداقت بعضی از مدعیان درباره وجود انحراف در مسیر انقلاب اسلامی، اهمیت تبیین و یساده‌آوری بعضی از مصادیق درباره گروه‌های سیاسی و مضاعف کرده است.
به گزارش فارس، هفته گذشته رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار تصویری با جمعی از افسار مختلف مردم تبریز در سخنانی اظهار نظر بعضی از افراد مدعی دلبستگی به انقلاب مبنی بر خود شدن انقلاب از اهداف را صادقانه ندانستند افزودند: «کسانی که زندگی و مشی اشرافی دارند یا دم از تسلیم در مقابل استکبار و امریکای‌زند، نمی‌توانند مدعی یابندگی و دلبستگی به انقلاب باشند چراکه شعار انقلاب حمایت از پابرهنگان و محرومان و مقابله با استکبار است و بیان این حرف‌ها از آن افراد قابل قبول نیست».

بنابراین از این منظر، دلبستگی که از سال ۶۸ و بعد می‌گذرد، به سمت امریکا گرویدهاست و به نوعی از رحلت امام خمینی(ره) تا به الان که ۳۲سال برای رسیدن به زندگی اشرافی، تمامی شعارهای استقلال و شعارهای دفاع از پابرهنگان را فراموش کرده‌اند و به معنای واقعی زندگی اشرافی دارند، نمی‌توانند ادعای دفاع و دغدغه‌های انقلاب اسلامی داشته باشند.

اظهارات علی شکروری‌ر، دبیر کل سابق حزب اتحاد ملت از جمله مصادیقی است که نشان می‌دهد این جریان اذعان دارد حاشیانس طیفه‌ای غیر از مستضعفان جامعه هستند و به معنایی اسلامی داشته باشند.
روزنامه کیهان در بخشی از سرمقاله خود، با اشاره به بعد اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد جنگ تزکیی که رهبری آشکاره کرده است، پیش‌قدمی در دفاع اقتصادی از کشور را پیشنهاد کرده است.
امریکایی‌ها طی چند دهه اخیر همواره از دلار به عنوان یکی از ابزارهای مهم فشار به کشورهای جهان استفاده کرده و آن را به مانند یک غده سرطانی به دنیا کشیده کرده‌اند. فشارهای ناشی از سلطه دلار که به واسطه تحریم‌ها بر ایران وارد آمده است، تنها کشور ما را دربر نمی‌گیرد بلکه بسیاری از کشورهای دیگر هم تحت این جبر امریکا قرار دارند. اما ممکن است به شکل مغفی باشد. چین، روسیه و حتی اروپایی‌ها هم تحت فشارهای پنهان سلطه دلار و راههای جدید، نتوانسته‌اند با این شرایط کنار بیایند.
تحمیل می‌کند، تبعیت کنند یا آن جمله تلاش برای کاهش تحریم‌ها، خواهان خالصی از شر این غده سرطانی در اقتصادشان هستند. کارشناسان یکی از راهکارهای حمله به این غده را انعقاد پیمان‌های پولی دو یا چند جانبه میان کشورهای مختلف و نیز حضور در پیمان‌های منطقه‌ای مانند اکو، اتحادیه با پایایی آسیا، سازمان همکاری‌های اسلامی و اوسا و سایر شانگهای می‌دانند هر چند برخی افراد در دولت قبل این کار را به واسطه نوسانات تورم در ایران، نشدنی جلوه می‌دادند اما بایستی بر این تاکتیک تأکید کرد و راههای استثنایی به آن از جمله تلاش برای کاهش تورم و نوسانات در اقتصاد را پیمود و دانست که حذف دلار نمی‌تواند دافع در اقتصاد زده دهد، زیرا سال‌ها پای به اقتصاد ما بر این مبنای اشتباه پایه‌گذاری شده و لذا نمی‌توان به یکباره از شر این غده خالص شدا اما حرکت تدریجی به سمت این هدف ضروری انگار ناپذیر است. همچنین تجربه چندماه اخیر دولت سیزدهم در استفاده از اقتصاد کالا با کشورهای دوست نشان داد می‌توان با وجود حتی نوسانات شدید اقتصادی دلار را از چرخه مبادلات تجاری حذف کرد و اگر این حرکت با شدت و قدرت بیشتر ادامه یابد، دیگر با بسیاری از کشورهای جهان همین اقدام از شر دلار خلاص شوند.

گزارش ۲

پایگاه خبری Exit در گزارشی از دستگیری یک عضو سازمان منافقین به جرم سازمان‌دهی بانده سرقت و دو عضو دیگر به جرم قاچاق انسان
به گزارش تسنیم، طبق اسناد منتشر شده توسط پایگاه خبری EXIT، یکی از اعضای گروهک منافقین به جرم سازمان‌دهی یک بانده سرقت در آلبانی دستگیر شده است.
اسناد مشاهده شده از دفتر دادستان تیرانا نشان می‌دهد محمدسادات دربندی به همراه دو تبعه آلبانیایی در مارس سال گذشته در سرقت پول از یک داروخانه و یک کافه دست‌داشته‌اند و این اسناد حاکی از آن است که وی در بازجویی‌های پلیس به نقش داشتن در هر دو سرقت اعتراف

یکشنبه اول اسفند ۱۴۰۰ | ۱۸ رجب ۱۴۴۳ |

پایگاه

سرویس سیاسی ۸۸۴۹۸۴۳۹

روزنامه جوان | شماره ۶۴۹۹



اشراف جامعه از آنها حمایت می‌کند.
وی در فتنه بنزینی ۹۸– که حاصل عملکرد اصلاح‌طلبان و روحانیان – به نکته‌ای درباره سبدر رای جریان اصولگرایی اشاره می‌کند که مفهوم جالبی دارد؛ شکوری‌راد مدعی است که بعد از حوادث بنزینی در سال ۹۸، این اصولگرایان بودند که دچار کاهش سبدر رای شدند و اصلاح‌طلبان بعد از آشوب‌های بنزینی، ضرر چندانی نکردند.

شکوری‌راد پس از ثبت‌نام در انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «اصلاح‌طلبان پس از اعتراضات و کشتار اخیر دچار ریزش رای نشده‌اند، چون اعتراضات در مناطق مرفه که پایگاه رای آنان است صورت نگرفته بلکه در مناطق حاشیه‌ای که پایگاه اصولگرایان بوده، رخ داده است.»

فارغ از اینکه اشرافیت در زندگی مدعیان دلبستگی به انقلاب چگونه است، چه مصادیقی دارد؟ آنچه در این گزارش به دنبال آن هستیم، اینکه چه کسانی غیر صادقانه در ساراه انحراف انقلاب و دلبستگی به حقوق و منافع مردم اظهار نظر می‌کنند.

بیانیه مجمع روحانیون، مصداق بارز بی صداقتی
شب ۱۲بهمن‌ماه ۱۴۰۰، دو نهاد روحانی محور جریان انقلابی (مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم)، می‌دهد این جریان اذعان دارد حاشیانس طیفه‌ای غیر از مستضعفان جامعه هستند و به معنایی اسلامی داشته باشند.

کارخانه‌ای: دلخوشی به اقدامات فریبکارانه غرب نیستیم

کدام عقل سیاسی حکم می‌کند! ایران رابطه عز تمندانه خود را با شرق رها سازد و صرفاً خود را به اقدامات فریبکارانه غرب دلخوش کند.
شش سال گذشته موضوع روسیه و چین در رفع تحریم‌ها همواره در راستای دفاع از جمهوری اسلامی ایران بوده است، بیان کرد: کشورهای رابطه با شرق که در سال‌های گذشته با ملت ایران با هم دوستی و دوستی بوده است اما در ماه قبل نیز دوبسایت خبری Exitگزارش داده بود سازمان منافقین در قاچاق انسان و مواد مخدر دست دارد و اطلاعاتی را در مورد نامه‌ای منتشر کرد که به یک دیپلمات خارجی غربی با مهر مدیر اداره پلیس جنایی پلیس ایالتی ارسال شده بود و جزئیاتی از جنایات مربوط به اعضای مجاهدین خلق را ارائه می‌داد.
در این گزارش آمده است: دو عضو مجاهدین خلق به همراه همدستان آلبانیایی و یونانی



بدون نظرات مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند!«
ان دسته از جوانان که به مساجد روی می‌آورند یا کتب دینی می‌خوانند از نظر ساختار فکری و روانی ضعیف هستند! ... اینها فقط نمونه‌هایی از انبوه دیدگاه‌ها و افکار الوده‌ای است که برخی از مدعیان اصلاحات در نشریات و رسانه‌های خود ترویج می‌کردند و روحانیون عضو «مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین» اگر نتوییم با این ادعاها موافق بوده‌اند، لاقال انتظار آن بوده که علیه این قماش – که در جبهه مدعی اصلاحات جا خوش کرده‌اند- موضع می‌گرفتند ولی لام تا کام اعتراضی نکرده‌اند.
گفتنی است یکی از اعضای اصلی و تقریباًهم‌کاره مجمع به اصطلاح روحانیون مبارز درباره اهانت فتنه‌گران به ساحت مقدس اباعبدالله‌الحسین(ع) گفته بود که من می‌خواستم اعتراض کنم ولی بیم آن داشتم که از این اعتراض سوءاستفاده شود! یعنی شخصیت خود را بر تر از ساحت امام حسین(ع) می‌دانستند!...

تغییر تابلو از ساکت مطلق به معترض وضع موجود

از دیگر نکاتی که رهبر معظم انقلاب به دقت و ظرافت به آن اشاره کرده‌اند، عدم‌صداقت این گروه از افراد در دلبستگی به انقلاب و اسلام است، به عنوان مثال مجمع روحانیون با حمایت صدردصدی از ریاست جمهوری حسن روحانی در سال‌های ۹۲ و ۹۶، ساکت مطلق هشت سال ریاست روحانی بر مسند اجرائی کشور بوده و علی‌الظاهر هیچ اتفاق ناگوار اقتصادی و سیاسی در این دوره نیفتاده است.
سؤال این است که این جریان مدعی و خلاف‌گو در سال‌های فتنه ۸۸ و حوادثی که به واسطه دیکتاتوری ایمن جماعت بر سر جمهوریت نظام آمد، چه پاسخی دارند؟ ششوری‌اش در حوادث ۸۸ آنجا بود که این نهاد مدعی در روز ۲۳خرداد ۸۸، به صراحت پیگیر ابطال انتخابات، آن هم بدون کوچک‌ترین استدلال منطقی بود و همین جریان بعد از خطبه روزی که آمن‌گروییان در انقلاب در ۲۹خرداد مبنی بر تمام کردن اعتراضات خیابانی، ۳۰خرداد مردم را دعوت به اعتراض و آشوب خیابانی کرد و تنها به ساعت قبل از شروع اعتراض اعلام کرد و به واسطه عدم‌موجود قانونی، روحانیون مبارز هیچ نقشی در حضور آشوبگران در خیابان نداشت.

گفتنی‌ها در ساراه رفتار نفاق آمیز جریان اصلاحات و زیر جرمه‌هایش بسیار است، ولی نهادی که به راحتی با تغییر تابلو از ساکت مطلق، تبدیل به دلبسته انقلابی می‌شود و به مصادیق زیر توجه کنید: «فکار امام خمینی(ره) متعلق به ۱۴فروردین پیش بوده و جوابگوی مشکلات جوامع کنونی نیست!» «امم‌کارایی حکومت شیبه استبداد فجری است!» «تفکر شیعه موجب انحطاط مملکت مسا و مانعی برای دموکراسی نیست!» «فرهنگ شهادت‌طلبی باعث ترویج خشونت می‌شود!» «مرد کارایی حکومت شیبه بر همگان آشکار شده است!» «مظاهر دینی چون حجاب و حیای زنان، نماد عقیباتفادگی است!» «آدم‌ها و حتی معصومین(ع) هم خودبه‌خود، روشنگری دارد.

حجیر

همکاری نظامی – دفاعی ایران و روسیه موجب شکل‌گیری بلوک قدرت می‌شود

پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای موجب تسهیل افزایش سطح مناسبات میان تهران و مسکو در ابعاد مختلف خصوصاً دفاعی شده است.

محمود عباس‌زاده‌مشکینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خانه ملت در رابطه با چشم‌انداز همکاری‌های نظامی و فنی ایران با روسیه گفت: پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای موجب تسهیل افزایش سطح مناسبات میان دو کشور در ابعاد مختلف خصوصاً دفاعی شده است. در واقع تحقق همکاری‌های چندجانبه امنیتی و دفاعی یکی از مؤلفه‌های پیوستن به این سازمان است.

نماینده مردم مشکین‌شهر در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه انعقاد تفاهنامه ۲۵ساله استراتژیک ایران و روسیه موجب شده است ابعاد همکاری‌های مشترک میان دو کشور توسعه یابد، اظهار کرد: این مهم در حالی است که کشورمان با چین نیز چنین تفاهنامه همکاری را انعقاد کرده است، از این رو شاهد شکل‌گیری بلوک قدرت در شرق هستیم.

وی با بیان اینکه همکاری مشترک سه کشور موجب شده است مناسبات یکجانبه دنیا دچار چالش شوند، ادامه داد: بر این اساس مشاهده می‌شود بدخواهان غربی تبلیغات منفی در این خصوص انجام می‌دهند و حساسیت خاصی دارند. این نماینده مردم در مجلس یازدهم با اشاره به اینکه ایران بر اساس منافع ملی با کشورهای همسایه از جمله روسیه توسعه مناسبات می‌دهد و همکاری‌هایش را تنظیم می‌کند، افزود: بر این اساس نزدیک بودن ایران و روسیه و توسعه همکاری در حوزه نظامی می‌تواند چشم‌انداز جدیدی را برای امنیت و ثبات منطقه ایجاد کند.

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی خاطر نشان کرد: باید یادآور شد چندی پیش نیز رامیان مشترک نظامی با همکاری ایران، روسیه و چین در آفرآب جنوبی کشورمان برگزار شد که بیانگر جدی بودن سه کشور در حوزه همکاری دفاعی است.

جهانیان هم می‌دانند امریکا قابل اطمینان نیست

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب پیش‌بینی می‌کردند، امریکا قابل اطمینان نیست و نخواهد بود، البته این مورد بر جهانیان نیز ثابت شده است.
سیدمجتبی مغفولی، نماینده مردم آبادان در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس با اشاره به توصیه‌ها از سوی برخی طیف‌های سیاسی درباره مذاکره مستقیم با امریکا اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران با رهبری حکیمانه امامین انقلاب، زمانی که قدرت امروز را نداشت این اجازه را نداد که با امریکایی‌ها بر سر یک میز برای مذاکره بنشینند. حال که اوضاع کاملاً فرق کرده و به دلیل مقاومت مجاهدانه ملت شریف ایران و خون شهیدان ورق برگشته و به قدرت منطبقه تبدیل شده‌ام و در مقابل، امریکاییان دوران افول خود را طی می‌کنند، دیگر چه نیازی است که با آنان مذاکره مستقیم داشته باشیم؟

نماینده مردم آبادان در ادامه گفت: آیا امریکایی‌ها قابل اطمینان هستند؟ مگر وزیر خارجه وقت کشورمان در دولت پیش‌گفت که امضای این تری کمپوست است؟ پس چرا در نهایت برجام شکست خورد؟ بنابراین امریکا، همان‌طور که رهبر معظم انقلاب پیش‌بینی می‌کرد، قابل اطمینان نیست و نخواهد بود، البته این مورد بر جهانیان نیز ثابت شده است.

وی افزود: اگر هم زمانی قرار باشد بر سر میز مذاکره با امریکایی‌ها بنشینیم، پیش‌شرطی وجود دارد. اینکه تمامی تحریم‌هایی که بر اساس برجام قرار یو لغو شود، برداشته شوند. اگر این اتفاق بیفتد این افتخار را به امریکایی‌ها می‌دهیم که با ما مذاکره مستقیم کنند.
نماینده آبادان در مجلس در پایان درباره احترام جمهوری اسلامی به ملت‌ها گفت: ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، نظامی عزیز است که دارای اقتدار و قائل به احترام متقابل به کشورهاست. ما هیچ کشور را به دشمنی نمی‌بینیم، مگر اینکه آن کشور شیطنانی علیه ایران کرده باشد، ضمن آنکه رژیم غاصب صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسیم.

حجیر

۳ نکته مهم درباره مصاحبه وزیر خارجه با «فایننشال تایمز»

نکته‌ای که آقای امیرعبداللهیان در مصاحبه با روزنامه فایننشال تایمز درباره لزوم تصویب بیانیه سیاسی توسط کنگره گفت، بسیار دقیق و هوشمندانه است.

فواد ایزدی، دانشیار گروه مطالعات امریکا، دانشکده مطالعات جهان و دانشگاه تهران طی یادداشتی در ساراه مصاحبه اخیر حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان با روزنامه فایننشال تایمز نوشت: نکته‌ای که جناب آقای امیرعبداللهیان درباره لزوم تصویب بیانیه سیاسی توسط کنگره فرمودند، بسیار دقیق و هوشمندانه است، در حال حاضر تقریباً تمامی نمایندگان جمهوریرخواه و تعداد قابل توجهی از نمایندگان دموکرات (از جمله چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها در سنات و رابرت مندز، رئیس دموکرات کمیته روابط خارجی سنات) مخالف روند فعلی هستند، بنابراین نیاز است موضع رسمی کنگره امریکا درباره برجام با توافقات بعدی الان مشخص شود و نه بعد از توافق احتمالی.

متن این یادداشت به شرح زیر است:

۱- تصویب بیانیه سیاسی با عنوان resolution یکی از فعالیت‌های معمول در امریکااست. از ابتدای شروع به کار دور جدید کنگره (ژانویه ۲۰۲۱) تاکنون ۹۲۹ بیانیه سیاسی در مجلس نمایندگان و ۵۱۷ بیانیه سیاسی در سنات ارائه شده است (لیست بیانیه‌های سیاسی کنگره فعلی در این صفحه (اینجا) قابل مشاهده است.)

۲- بر اساس قانون اساسی امریکا، قوه مقننه نهادی قدرتمندتر نسبت به قوه مجریه به است، بنابراین در صورت بروز اختلاف نظر بین این دو قوه، قوه مقننه دست برتر را دارد. در توافق قبلی نیز ترامپ بر اساس قانون مصوب سال ۲۰۱۵ کنگره (قانون اینترا) از برجام خارج شد.

۳- با توجه به دو نکته بالا و با توجه به اینکه به نظر می‌رسد اکثر نمایندگان کنگره مخالف روند فعلی مذاکرات وین هستند، نکته‌ای که جناب آقای دکتر امیرعبداللهیان درباره لزوم تصویب بیانیه سیاسی توسط کنگره فرمودند، بسیار دقیق و هوشمندانه است.
در حال حاضر تقریباً تمامی نمایندگان جمهوریرخواه و تعداد قابل توجهی از نمایندگان دموکرات (از جمله چاک شومر، رهبر دموکرات‌ها در سنات و رابرت مندز، رئیس دموکرات کمیته روابط خارجی سنات) مخالف روند فعلی هستند، بنابراین نیاز است موضع رسمی کنگره امریکا درباره برجام با توافقات بعدی الان مشخص شود و نه بعد از توافق احتمالی.
آزموده را از مودن خطاست.